



کنگرهٔ انجمن بین‌المللی مطالعات جوامع فارسی‌زبان

(۸-۱۱ ژوئن ۲۰۰۷، ۱۸-۲۱ خرداد ۱۳۸۶، تفلیس)

سومین کنگرهٔ دوسالانهٔ انجمن بین‌المللی مطالعات جوامع فارسی‌زبان^۱ با همکاری دانشگاه ایالتی تفلیس و مؤسسهٔ مطالعات شرقی برگزار شد.

نخستین کنگرهٔ این انجمن به سال ۲۰۰۲ در شهر دوشنبه و دومین آن به سال ۲۰۰۴ در ایروان برگزار شده بود.

کنگره با سخنان حبیب برجیان (دبیر کنگره)، توماس گمکرلیدزه (رئیس فرهنگستان علوم گرجستان)، گئورگه سنیکیدزه (مسئول هماهنگی) و جمشید گیوناشویلی (سفر سابق گرجستان در ایران) آغاز شد.

حبیب برجیان، ضمن سخنان خود، تاریخچه و فعالیت‌های این انجمن را به اختصار بیان کرد. این انجمن را در سال ۱۹۹۶ پروفیسور سعید امیرارجمند به عنوان سازمانی غیردولتی و غیرسیاسی و غیرانتفاعی بنیان نهاد. پژوهشگران، دانشمندان و همهٔ علاقه‌مندان به فرهنگی که زبان و ادبیات فارسی حامل آن است مخاطبان این انجمن‌اند. ادبیات در اینجا همهٔ آثار مکتوب از جمله تاریخ، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فرهنگ عامه را در برمی‌گیرد. حوزهٔ مطالعاتی این انجمن نه فقط سرزمین کنونی ایران بلکه نواحی و کشورهای نیز هست که در آنها فارسی، از نظر تاریخی، زبان فرهنگی غالب یا حاکم بوده یا دست کم فرهنگ ایرانی در آن مناطق غلبه داشته است، مانند افغانستان،

1) Association for the Study of Persianate Societies (ASPS)

تاجیکستان، ازبکستان، ارمنستان، گرجستان، و به‌خصوص شبه قاره هند. انجمن بین‌المللی مطالعات جوامع فارسی‌زبان در شهرهای تهران، شیراز، دهلی‌نو، دوشنبه، خاوغ (در پامیر تاجیکستان)، کراگف، وین، ایروان و تاشکند دفاتری دارد. از برنامه‌های این انجمن تأمین هزینه سفر دانشمندان ایرانی برای شرکت در همایش‌هایی است که در آمریکا برگزار می‌شود. همچنین در چاپ نسخه‌های خطی با میراث مکتوب تهران همکاری خواهد کرد. از نهادهای این انجمن بنیاد پژوهشی اروپا- آسیای میانه^۲ را می‌توان نام برد که در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد و، با بودجه‌ای که از بنیادهای غیردولتی غرب دریافت می‌کند، از پژوهش و انتشار نتایج تحقیقات دانشمندان آسیای میانه حمایت می‌کند. این انجمن نامۀ اخبار و وب‌گاهی به زبان انگلیسی دارد و یکی از برنامه‌های آن تهیه ترجمه فارسی و روسی نامۀ اخبار است که در وب‌گاه قابل دسترسی باشد. مجله انجمن را، که تاکنون سه شماره آن منتشر شده، از سال ۲۰۰۸ انتشارات بریل^۳ دوبار در سال با عنوان *Journal of the Persianate Societies* منتشر و توزیع خواهد کرد.

پس از سخنان افتتاحیه، سعید امیرارجمند (رئیس انجمن مطالعات جوامع فارسی‌زبان) سخنانی با عنوان «اهمیت اخلاق سیاسی در پهنه کشورهای اسلامی فارسی‌زبان» ایراد کرد. کنگره طی ۲۱ نشست در محورهای موضوعی زیر برگزار شد: تفلیس و جهان فارسی‌زبان، تاریخ فرهنگی جوامع فارسی‌زبان، فرهنگ و فرهنگ عامه، زبان فارسی و آموزش، گویش‌های شمال غربی ایران، ایران در عصر صفوی، تاریخ عقل و اندیشه در جوامع فارسی‌زبان در دوره معاصر با دوره قرون وسطا، وضع زنان در جهان فارسی‌زبان، دین و اسطوره‌شناسی، دستور زبان فارسی، مردم‌شناسی / هویت، تاریخ اجتماعی و سیاسی، زبان‌های ایرانی و قفقازی، موسیقی در جهان فارسی‌زبان، زبان‌شناسی در جهان فارسی‌زبان، خاورشناسی، هنر، ادبیات فارسی، گرجستان و ایران، نسخه‌های تاریخی و هنر ایران، تاریخچه اندیشه‌مندان معاصر.

از جمله عناوین مطرح شده در جلسات کنگره بودند:

«ارتداد در متون فارسی میانه» (محمود جعفری دهقی، دانشگاه تهران)، «تشریفات ادبی در ادبیات کهن فارسی: نظامی گنجوی، لیلی و مجنون» (ماننا کواچاڈزه، دانشگاه ایالتی تفلیس)، «نوآوری‌های صرف و نحو در زبان فارسی: نظریه و تجربه آموزشی» (ماپا ساخوکیا، مؤسسه

2) Central Eurasian Research Fund (CERF)

3) Brill

شرق‌شناسی، گرجستان)، «نکاتی در مورد روش‌های آموزش زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی در ارمنستان» (لوسیا قازاریان، دانشگاه ایالتی ایروان)، «خانواده مادی - پارسی زبان‌های شمال غربی ایران» (حبیب برجیان، دانشگاه هوفسترا^۴، نیویورک)، «برخی جنبه‌های کهنه در گویش‌های آذری» (هاسمیک گرگوسیان، دانشگاه ایالتی ایروان)، «مسئله جنسیت در آثار نویسندگان زن ایران» (مزیا بورجانادزه، دانشگاه ایالتی تفلیس)، «پیدایش تمثال‌نگاری مذهبی در فلات ایران» (مهدی محمدزاده، مدرسه کاربردی مطالعات عالی^۵، فرانسه و دانشگاه ژنو)، «برخی پسوندهای تحبیبی نام‌های خاص در زبان فارسی» (علی‌اشرف صادقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران)، «در مسئله هویت ملی ایرانیان در آثار محمدعلی اسلامی ندوشن» (تینا شورغایا، دانشگاه ایالتی تفلیس و مؤسسه خاورشناسی)، «کوششی جهت طبقه‌بندی فتوت‌نامه‌های فارسی» (خاجیک گورگیان، دانشگاه گوتینگن، آلمان و دانشگاه بین‌المللی آریا، ارمنستان)، «اسطوره موسی در انقلاب اسلامی» (هوشنگ شهابی، دانشگاه بوستون، امریکا)، «افعال مرکب در فارسی میانه» (ماکانا تادزه، مؤسسه خاورشناسی، گرجستان)، «بررسی دگرگونی معنایی در برخی واژه‌های مشترک در زبان فارسی و زبان‌های شبه قاره» (ثریا پناهی، پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران)، «سهراب سپهری و سنت عرفانی مشرق‌زمین» (گیورگی لوئزانیادزه، دانشگاه ایالتی تفلیس)، «باد و نسیم در شعر فارسی» (جمشید گیوناشویلی، مؤسسه خاورشناسی و دانشگاه ایالتی تفلیس)، «احمد شاملو و بوطیقای او از اشعار غیرمنظوم» (کی‌می ماّندا، دانشگاه توکیو)، «دستیار نظام‌الملک در نوشتن سیاست‌نامه» (آکسی خیسماآتولین، سن‌پترزبورگ)، «سازمان مرکزی، تبرکات، و جانشینی در میان چشتیان هند» (اشتیاق احمد ظلی، هند)، «عناصر نمادین در زیارتگاه‌های کابل: در محل تلاقی اسلام و سحر و جادو» (مارک اسمورزینسکی، دانشگاه کراکف، لهستان)، «سهم دانشگاه پنجاب در لاهور در گسترش مطالعات ایرانی در شبه قاره» (سالم مظهر، دانشگاه پنجاب، لاهور).

علی‌اشرف صادقی، در مقاله «برخی پسوندهای تحبیبی نام‌های خاص در زبان فارسی»، به بررسی شماری از پسوندهای تحبیبی در فارسی میانه پرداخت که برخی از آنها با تغییر به فارسی دری رسیده‌اند و برخی اصلاً در فارسی دری به کار نرفته‌اند، مانند *-ōy*.

4) Hofstra

5) Ecole pratique des hautes études (EPHE)

در نام‌های š-roy (شیروی) و burzōy (برزوی)؛ -in در نام‌های kārin (کارن) و māhin ؛ -ēn در نام‌های burzēn (بُرزین) و gurgēn (گرگین) و جز آنها. در مقابل، بعضی پسوندهای تحبیبی در قرن‌های اولیه هجری در متون عربی و فارسی دری به چشم می‌خورند که در فارسی میانه سابقه ندارند. سخنران شماری از این پسوندها را چنین برشمرد:

-ak که خاصّ فارسی دری است و در نام‌هایی مانند مهرک، حسنک، بوجعفرک دیده می‌شود. این پسوند با -ag پهلوی، که در فارسی به -a بدل شده و در نام‌هایی مانند ماشاده، رسته (مخفف رستم) و شیده به کار رفته، متفاوت است، هر چند منشأ این هر دو یکی است. -akān ، مرکب از -ak و -ān ، که در فارسی میانه نیز فراوان به کار رفته است. شواهد آن در فارسی نو: محمدکان، حیکان (ظاهراً حَیکان)، فضلکان، عبدلکان.

-akā ، مرکب از -ak و -ā . -ā ظاهراً مخفف پسوند -āy فارسی میانه است. شواهد آن در فارسی نو: امیرکا، حسکا، محمدکا.

-ā که ظاهراً دنباله -āy فارسی میانه است و در نام‌های نَا (المشبه ذهبی، ص ۱۲۲)، یَا (همان‌جا)، نجما (لقب نجم‌الدین زرکوب) و جز آن آمده است. این پسوند در دوره صفویه بسیار زایا شده و در نام‌هایی مانند صدرا (مخفف صدرالدین)، فخرا (مخفف فخرالدین)، سمیعا، رفیعا، نصیرا دیده می‌شود.

-ūl که در نام‌های حَسول ، احمول به کار رفته است.

-ūla که در نام‌های حَسوله ، یوله ، احموله دیده می‌شود.

-īl که در نام‌های زرغیل، شاتیل، حسنیل، محمدیل آمده است.

سخنران، در پایان، به معروف‌ترین پسوندی که در دوره اسلامی با نام‌های خاص به کار رفته (-ōy) اشاره کرد که صورت تغییریافته دوره میانه است. این پسوند در نام‌هایی چون سیبویه، برزویه، بویه، بابویه به کار رفته است.

وی از بررسی پسوندهای دیگر دوره اسلامی که کاربرد آنها اندک است صرف نظر کرد.

جمشید گیوناشویلی، در سخنان خود با عنوان «باد و نسیم در شعر فارسی»، باد و نسیم در اشعار فارسی را از جمله حامل سلام، جواب، پیام، بوی شمرد و، در این باب، شعر رودکی (بوی جوی مولیان آید همی...) را بررسی کرد و از پیوند نزدیک آن با شعر حافظ

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کر نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

سخن گفت.

آلکسی خیسما تولین، در سخنرانی خود با عنوان «دستیار نظام‌الملک در نوشتن سیاست‌نامه»، ابتدا از احتمال نوشته شدن بخش‌هایی از سیاست‌نامه به‌خامه کسی دیگر جز نظام‌الملک سخن گفت. سیاست‌نامه یا سیرالملوک را چارلز شفر^۶ در ۱۸۹۱ منتشر کرد. سپس، عبدالرحیم خلخالی متن را با وارد کردن چند نسخه الحاقی مجدداً تصحیح کرد و آن را دوباره منتشر ساخت (تهران ۱۳۱۳). نخستین ترجمه روسی محققانه آن براساس هر دو چاپ به کوشش زاخود^۷ منتشر شد (مسکو-لنینگراد ۱۹۴۹). همه کسانی که در این متن کار کرده‌اند، به قرینه شواهد مسلمی که در الحاقات بعدی این متن یا در ضمیمه‌های آن وجود دارد، مرددند که آن را یک نفر یعنی همان نظام‌الملک نوشته باشد. زاخود حدس می‌زند که برخی فصول را نخستین مصحح آن، محمد مغربی، به سیاست‌نامه افزوده است و این حدس منطقی به نظر می‌رسد.

اما این محمد مغربی کیست که نام او نه در آن زمان آمده و نه در تحقیق ارزشمند عباس اقبال در مورد سلجوقیان (تهران ۱۳۳۸).

سخنران در این مقاله کوشیده است آن کسی را مشخص سازد که ظاهراً در پس‌نسخه مغربی پنهان شده و برای مشارکت و همکاری در نوشتن سیاست‌نامه و نیز ظاهراً در نگارش نصیحة‌الملوک غزالی انگیزه لازم داشته است.

حبیب برجیان در مقاله «خانواده‌مادی-پارتی زبان‌های شمال غربی ایران»، ابتدا زبان‌های رایج در ایران را به دو گروه اصلی جنوب غربی و شمال غربی تقسیم کرد. به‌گوش‌های جنوب غربی بیشتر در استان فارس و استان‌های همسایه سخن گفته می‌شود و معمولاً آنها را **Perside** می‌نامند. این گروه زبان‌های لری-بختیاری و فارسی را نیز در بر می‌گیرد. سایر زبان‌ها در شاخه شمال غربی قرار می‌گیرند که شامل (۱) بلوچی؛ (۲) کردی و گورانی (همچنین زاز، که در ترکیه رایج است) در نواحی کرد زبان؛ و (۳) کاسپی، تاتی و گویش‌های معروف به مرکزی است.

سومین گروه از زبان‌های شمال غربی ایران را احتمالاً می‌توان هم از نظر جغرافیائی و

6) Charles Schefér

7) B. N. Zakhoder

هم از نظر زبان‌شناسی، مادی-پارتی نامید. پراکندگی زبان‌ها و گویش‌های مادی-پارتی به شرح زیر است:

- کاسپی: گیلکی، مازندرانی، گرگانی و گروهی از گویش‌های اطراف سمنان در مشرق تهران؛

- تاتی: طالشی، تاتی آذری (که در شمال نواحی آذربایجان ایران، خلخال، طارم، رودبار، قزوین، الموت رایج است)؛

- تاتی مرکزی که میان ساوه و اراک رواج دارد؛

- گویش‌های مرکزی که در بیش از ۲۰۰ روستا تقریباً در محدوده‌ای میان چهار رأس گلپایگان، کاشان، یزد، اصفهان و میان جوامع یهودی و زردشتی شهرهای بزرگ‌تر رایج است. سخنران، پس از گزارش تاریخچه‌ای از روند ثبت گویش‌های مادی-پارتی، دغدغه خود را از ناشناخته ماندن بسیاری از این گویش‌های رو به نابودی بیان کرد. از میان صدها جامعه‌ای که به گویش‌های مادی تکلم می‌کنند، تنها در چند گویش بررسی و تحلیل زبان‌شناختی صورت گرفته و بیشتر آنها ناشناخته مانده‌اند. به علاوه، امکان دسترسی به فهرست کاملی از مناطقی که در آنها به گویش‌های مادی-پارتی سخن گفته می‌شود وجود ندارد. چند نقطه باقی مانده از جوامع تاتی زبان در آذربایجان برای همیشه مغلوب زبان ترکی شده‌اند. گویش‌های مرکزی نیز جای خود را به فارسی داده‌اند. باری، در عصر جهانی شدن، نمی‌توان امیدی به بقای هیچ‌یک از این گویش‌ها داشت.

ثریا پناهی، در مقاله «بررسی دگرگونی معنایی در برخی واژه‌های مشترک در زبان فارسی و زبان‌های شبه‌قاره»، به وجوه اشتراک زبان فارسی با زبان هم‌خانواده و هم‌ریشه آن، هندی، و زبان میانجی اردو و وجود واژه‌های فارسی در آن زبان‌ها پرداخت. همچنین تحولات معنایی شماری از واژه‌های فارسی را که هویت فارسی آنها براساس فرهنگ پلاتز^۸ گزارش شده است بررسی کرد. وی تحولات معنایی واژگان فارسی را در چهار مرحله پیدایش، گسترش، کاهش بُرد معنایی و تغییر مدلول، با ذکر شواهد، شرح داد. زبان فارسی با زبان‌های شبه‌قاره تعامل داشته و بررسی تحولات تاریخی - معنایی

8) PLatts, John T., *A Dictionary of Urdu, Classical Hindi and English*, Crosby Lockwood and Son, London 1911.

واژگان فارسی در این زبان‌ها نشان می‌دهد که عناصر فارسی در این زبان‌ها در کسوت یا معنایی دیگر به حیات خود ادامه داده‌اند. از شواهد متعدد سخنران، در هر مقوله به یک نمونه اشاره می‌شود: خانه‌تلاشی، ترکیب نو در معنای «تفتیش منزل»؛ محکمه به معنای «وزارتخانه و سازمان» (گسترش معنایی)؛ عدالت به معنی «دادگاه» (کاهش بُرد معنایی) ته‌خانه به معنی زیرزمین (تغییر مدلول).

چکیده همه مقالات ارائه شده در این گنگره در مجلّدی به چاپ رسیده است. برای اطلاع بیشتر از برنامه‌های این انجمن و دسترسی به چکیده مقالات می‌توانید به نشانی اینترنتی www.persianatesocieties.org مراجعه کنید.

آرزو رسولی

مراسم اهدای شانزدهمین جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی

روز شنبه دوم تیرماه ۱۳۸۶ مراسم اهدای جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار یزدی یک‌بار دیگر در باغ مصفا‌ی موقوفات دکتر محمود افشار برگزار شد. شانزدهمین جایزه این بار به شارل هانری دو فوشه کور^۹ اهدا شد.

شارل هانری دو فوشه کور، استاد پیشین دانشگاه پاریس، سالیان درازی از عمر خود را وقف پژوهش در زبان و ادب فارسی کرده و در عرصه تحقیقات ایران‌شناسی خدمات ارزنده‌ای انجام داده است. از جمله مهم‌ترین خدمات وی پایه‌گذاری چکیده‌های ایران‌شناسی^{۱۰} است. در این نشریه سالانه کلیه آثاری که در ایران و سایر کشورهای جهان در همه زمینه‌های ایران‌شناسی انتشار می‌یابد معرفی می‌شود. چکیده‌ها به دو زبان انگلیسی و فرانسه تهیه می‌شود و، به این ترتیب، امکان اطلاع پژوهشگران غربی را از آثار منتشره در حوزه ایران‌شناسی فراهم می‌کند. همچنین وی پس از هانری کُربن از

9) Charles - Henri de Salivet de Fouché

10) *Abstracta Iranica*

پایه‌گذاران مرکز ایران‌شناسی فرانسه در ایران بوده است.

از جمله مهم‌ترین آثار دو فوشه‌کورد:

– وصف طبیعت در شعر غنائی فارسی (قرن‌های چهارم و پنجم هجری)^{۱۱} که به شرح در نامۀ فرهنگستان (سال دوم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۸) معرفی شده است.

– اخلاقیات^{۱۲} شامل معرفی همه آثار این موضوع در ادبیات فارسی از قرن سوم تا قرن هفتم هجری که به قلم ع. روح‌بخشان و محمدعلی امیرمعزی به فارسی ترجمه و منتشر شده است (مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، تهران ۱۳۷۷).

– ترجمۀ دیوان حافظ به زبان فرانسه، که ثمرۀ شانزده سال از عمر علمی اوست. وی در حال حاضر تاریخ ادبیات کهن فارسی در قرن هشتم هجری^{۱۳} را در دست تألیف دارد. در تجلیل از پروفسور دو فوشه‌کور و خدمات او، پس از سخنان دکتر سید مصطفی محقق داماد رئیس شورای تولیت، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر نصرالله پورجوادی، و دکتر طهمورث ساجدی سخنانی ایراد کردند.

دکتر فولادوند درباره اخلاقیات دو فوشه‌کور سخن گفت. فوشه‌کور این کتاب را بر اساس ۵۵ متن اصلی تألیف کرده، از ۲۵ متن مستقیماً بهره گرفته و ۶۵ متن را بازساخته و معرفی کرده است. در این کتاب، نویسنده ابتدا به معرفی بزرگان این عرصه و آثارشان می‌پردازد سپس وارد بحث موضوعی می‌شود و حاصل کلام را به نحو موجز و پخته بیان می‌کند. دکتر فولادوند روشمندی و انضباط فکری نویسنده را در این باب اعجاب‌آور توصیف کرد. مضمون اصلی کتاب اخلاق سنتی است و غرض از اخلاق سنتی اخلاق مندرج در اندرزنامه‌هاست. اندرزنامه‌ها کهن‌ترین صورت نوشته اخلاقی در زبان فارسی‌اند و ریشه در آیین زردشت و ایران باستان دارند.

متون فارسی با مضامین اخلاقی دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است:

– دادن اندرز به انسان بالغ به‌خصوص به شخص پادشاه؛

– دعوت به شنیدن تجارب دیگران از طریق اندرز؛

– تقابل اخلاق با تقدیر یا کوشش انسان در برابر سرنوشت ایزدی؛

11) *La Description de la nature dans la poésie lyrique persane du XI^e siècle, inventaire et analyse des thèmes*

12) *Moralia*

13) *Histoire de la littérature persane classique au XIV^e / VIII^e siècle*.

– پیروزی انسان عادل بر غرایز به یاری عقل و اعتدال بخشیدن به آنها. فوشه کور، با توجه به این ویژگی‌ها، شاهنامه را حاوی مضامین نصیحت‌الملوک می‌داند که انوشیروان و وزیر خردمند او، بزرگمهر، شخصیت‌های اصلی آن‌اند. در شاهنامه، شاهان اسیر سرینجه تقدیرند. فرّشاهی بر سراسر متن سایه افکنده است. فردوسی قدرت را برتر از همه چیز می‌داند اما قدرتی که قرین دانش باشد. اندرزها و مفاهیم اخلاقی در آثار سعدی به اوج می‌رسد. سعدی شجاع، معترض و مخالف جبّاریت، و آثار او بر پایه عدالت است. سلطان باید از مرد حکیم درس عدالت بگیرد و شاید بزرگ‌ترین پند سعدی این است که شاه و گدا به هنگام مرگ یکسان‌اند. دکتر پورجوادی درباره نشریه چکیده‌های ایرانشناسی سخن گفت. این نشریه برای پژوهشگران عرصه‌های گوناگون ایران‌شناسی بسیار راهگشاست. از این رو، با همکاری مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، چند شماره از آن (شماره‌های ۲۱ و ۲۲ و ۲۳) به فارسی هم ترجمه شده است. فوشه کور از معدود کسانی است که تمام آثار تحقیقی فارسی را می‌خواند و اطلاعاتش روزآمد است. نشریه چکیده‌های ایرانشناسی خود شاهد این مدّعاست. فوشه کور در هر شماره، چندین چکیده نوشته است – چکیده‌هایی بسیار دقیق و گاه در حدّ نقد. دکتر ساجدی ابتدا پژوهش‌های فوشه کور بر ادب فارسی را ستود سپس به بحث درباره ترجمه وی از دیوان حافظ پرداخت. پروفیسور دو فوشه کور در ۱۹۹۰ شروع به ترجمه دیوان حافظ کرد و پس از ۱۶ سال آن را به پایان رساند. او به پیروی از گفته حافظ، «گوهری دارم و صاحب نظری می‌جویم»، ترجمه خود را به استادش ژیلبر لازار تقدیم کرده است. در این ترجمه، غزل‌ها شماره‌گذاری شده‌اند و با چاپ خانلری مطابقت دارند. در بخش اول، غزل از نظر فنی بررسی شده است. بنابر ارزش سنجی دکتر ساجدی، ترجمه جز در موارد اندک موفق است و در بسیاری اوقات خواننده احساس نمی‌کند که با ترجمه روبه‌روست. ترجمه نشان می‌دهد که مترجم با دستگاه‌های موسیقی ایرانی آشنایی دارد. از دیگر مزایای این ترجمه حرف‌نویسی نام‌ها و عبارات فارسی به فرانسه است. دکتر ساجدی، در ادامه سخنانش، در چند مورد به اظهار نظر انتقادی از ترجمه

فوشه کور پرداخت.

آنچه مهم است دین هر ایرانی به ایران‌شناسانی چون دوفوشه کور است که سالیان دراز از عمر خود را صرف خدمت به فرهنگ و ادب ایران کرده‌اند. به پاس تلاش‌های این ایران‌شناس سخت‌کوش، یک تخته فرش دست‌بافت نائین مزین به نام خود او، بافته داوود زمانی نائینی، از سوی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار به وی تقدیم شد. در پایان، پروفیسور دوفوشه کور، ضمن تقدیر از تلاش‌های استاد ایرج افشار، گفت: شاهکار ادبیات فارسی نمودار ژرف‌اندیشی ایرانیان است که من همیشه آن را تحسین کرده‌ام. نصایح شما پشتیبان من شده است. در ذهن من همه خصایص شما در همت خلاصه می‌شود.

وی سخنان خود را با این بیت از حافظ

غلامِ همتِ آنم که زیرِ چرخِ کبود
ز هر چه رنگِ تعلق پذیرد آزاد است

به پایان برد.

آرزو رسولی

مرجع‌شناسی ادب معاصر

هشتمین نشست گروه ادبیات معاصر فرهنگستان زبان و ادب فارسی با عنوان «مرجع‌شناسی ادب معاصر» و همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز سه‌شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۸۶، از ۹ تا ۱۲ صبح، در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

احمد سمیعی (گیلانی)، مدیر گروه ادبیات معاصر، ابتدا توضیحی در خصوص سابقه نشست‌های این گروه داد؛ سپس به معرفی سخنرانان - کامران فانی، حسن میرعابدینی، کامیار عابدی، فرخ امیرفریار - پرداخت.

استاد سمیعی همچنین در مورد گستره ادبیات معاصر به معنای وسیع آن - آثار ادبی و آنچه درباره آنهاست - توضیح داد که شامل شعر نو، ادبیات داستانی نو، ادبیات مطبوعاتی از نوع ادبیات سیاسی، پاورقی، مونوگرافی‌ها،... و نیز ترجمه از زبان‌های

اروپایی می‌شود. حتی فرهنگ‌نویسی به شیوۀ امروزی به‌ویژه فرهنگ عامیانه، ادبیات شفاهی، نظریۀ ادبی، نقد جدید ادبی، نقدهای طنزآمیز، تصحیحات انتقادی و تحقیقات تازه‌ای که در فقه اللّغه یا ادبیات‌شناسی از جمله در حوزه زبان‌های باستانی و فرهنگ ایران باستان صورت می‌گیرد، به اعتباری، جزو ادبیات معاصر محسوب می‌شوند و، به این ترتیب، گسترۀ ادبیات معاصر بسیار پُردامنه است.

سپس استاد کامران فانی به بحثی نظری در خصوص مرجعی ایدئال برای ادبیات معاصر ایران پرداخت و گفت: در بیست یا سی سال اخیر رویداد مهمی در ادبیات ما رخ داده و آن رونق و شکوفائی کتاب‌های مرجع به‌ویژه دایرةالمعارف‌نویسی است. یکی از معیارهای شناخت هر جامعه پویائی میزان رجوع به کتاب‌های مرجع است. یعنی برای این جامعه پرسش‌هایی مطرح است که دنبال پاسخ می‌گردد و یکی از منابع مهم پاسخ‌گویی به سؤالات افراد جامعه کتاب‌های مرجع است.

کتاب مرجع انواع متعدّد دارند و آنها را به دو دسته عمده می‌توان تقسیم کرد: (۱) مراجع اولیه یا مستقیم که بلافاصله پاسخ می‌دهند مانند دانشنامه‌ها؛ (۲) مراجع ثانویه یا غیرمستقیم که منبع مورد نیاز را معرفی می‌کنند، مانند کتاب‌شناسی‌ها. آن‌گاه استاد فانی وارد بحث دانشنامه‌نویسی برای ادبیات معاصر فارسی شد و پاسخ به دو پرسش را مبدأ این کار معرفی کرد: (۱) ادبیات چیست؟ (۲) معاصر یعنی چه؟ سپس توضیحاتی در پاسخ به این دو پرسش داد. در توضیح ادبیات، سه نظر وجود دارد: ۱. ادبیات امری است که وجود آن مسلم است. تنها باید تعریفی از آن بدهیم و فرق میان اثر ادبی و غیر ادبی را مشخص کنیم.

۲. در عالم خارج آثاری به عنوان ادبیات وجود دارد اما برای تشخیص این آثار حتماً باید نظریه داشته باشیم.

۳. در عالم خارج چیزی به نام ادبیات وجود ندارد. ادبیات امری سیال است که با تعاریف گوناگون می‌توان آن را مشخص کرد.

در نظر سوم، جامعه، نه پدیدآورنده اثر، است که تعیین می‌کند اثری ادبی یا هنری است. مؤلف و متن دو عنصر جعلی هستند (نظریۀ مرگ مؤلف). به این ترتیب، فقط خواننده و مخاطب اثر باقی می‌ماند و قضاوت جماعت تعیین‌کننده است.

با این اوصاف، هرگاه از پیش ادبیات را تعریف نکرده باشیم، نمی‌توانیم دانشنامه ادبی بنویسیم.

در بحث از معاصر بودن و رابطه آن با مدرن بودن، استاد فانی یادآور شد: بسیاری مبدأ ادبیات معاصر ایران را ابتدای سال ۱۳۰۰ و با انتشار کتاب‌های جمالزاده و نیما می‌دانند، اما واقعیت این است که بسیاری اوقات معاصر بودن تاریخی و زمانی نیست. در این میان، مسئله مدرنیسم و آغاز ادبیات مدرن نیز مطرح می‌شود که باید این موارد برای تألیف‌کنندگان دانشنامه ادبیات معاصر مشخص باشد.

در نهایت، دانشنامه ادبی پیش از شکل‌گیری باید به چند پرسش پاسخ دهد که استاد فانی آنها را چنین برشمرد:

– آیا واقعاً نیازی به چنین دانشنامه‌ای هست؟ در پاسخ به این پرسش، استاد فانی گفت: با همه احترامی که برای ادبیات گذشته قائلم، معتقدم آنچه امروز نیازهای ما را برآورده می‌کند ادبیات معاصر است.

– مخاطب کار ما کیست؟ و این پرسشی است که در ایران اصلاً به آن توجه نمی‌شود.

– حجم مطالب باید چه باشد؟

– تألیف دانشنامه چه مدت باید طول بکشد؟ (در ایران، کار دانشنامه‌نویسی اصولاً

فارغ از برنامه‌ریزی زمانی است.)

– از نظر مالی و نیروی انسانی چه امکاناتی داریم؟ (امکان‌سنجی)

– دانشنامه چه مداخلی داشته باشد؟ (مدخل‌یابی باید با توجه به تعاریف

معاصر بودن و ادبی بودن صورت بگیرد.)

– آیا خود آثار ادبی هم باید در دانشنامه ادبی معرفی شوند؟ (در دانشنامه‌های

خارجی کم پیش می‌آید کتابی در دانشنامه ادبی معرفی شده باشد مگر آنکه مؤلف نداشته باشد.)

– مقالات چگونه نوشته شوند؟ (کلّیات مقاله باید از پیش مشخص شود که توصیفی،

تحلیلی، انتقادی، مفصل یا کوتاه باشد.)

– شمار مجلدات دانشنامه چقدر باشد؟ (در پژوهش‌های خارجی، به ندرت به

دانشنامه‌ای ادبی برمی‌خوریم که بیشتر از یک جلد باشد.)

در پایان، استاد فانی گفت: دانشگاه آکسفورد کل ادبیات هر کشور را در یک جلد

حدوداً ۱۰۰۰ صفحه‌ای معرفی کرده است. ایدئال من هم دانشنامه‌ای است یک‌جلدی با الگوی کار دانشگاه آکسفورد.

پس از سخنان استاد فانی، حسن میرعبدینی در خصوص لزوم شناخت ادبیات معاصر ایران سخن گفت و صحبت از مرجع‌شناسی ادبیات معاصر را نمودار آن دانست که ادبیات معاصر ما از نظر کمی و کیفی به آن حد از اهمیت رسیده که لزوم پدید آوردن مراجع بیشتر در این زمینه حس شده است و این اتفاق خوشایندی است؛ زیرا تاکنون در محیط‌های دانشگاهی به ادبیات معاصر به مثابه یک اتفاق ناگوار و نوعی تخطی از مسیر ادبیات گذشته نگاه می‌شده است، در حالی که ادبیات معاصر ادامه منطقی ادبیات کلاسیک ما و ضرورتی تاریخی است که در یک دوره خاص بیداری (عصر مشروطه) پدید آمده است.

به گفته میرعبدینی، در بحث مرجع‌شناسی ادبیات معاصر به دو نکته باید توجه کرد: ریشه‌های تاریخی این ادبیات؛ تنوع آن. همچنین برای تحقیقات بیشتر و پدید آوردن مراجع بیشتر، باید کارهایی را که تاکنون صورت گرفته در نظر داشت و، در واقع، منابع اطلاعاتی را تکمیل کرد تا با کارهای تکراری روبه‌رو نشویم. تدوین کتاب‌شناسی در مورد هر نویسنده و شاعر، فرهنگنامه‌های تخصصی و مقاله‌نامه‌ها برای پژوهش در این عرصه بسیار سودمند است، چون میزان کارهای انجام‌شده را می‌نمایاند و از تکرار جلوگیری می‌کند. به ویژه آنکه در زمینه ادبیات معاصر کارهای انجام‌نشده بسیار است. میرعبدینی گفت: دانشگاه‌ها، به عنوان مراکز نظریه‌پردازی ادبی و روش تحقیق آکادمیک، می‌توانستند نقش مهمی در معرفی و تثبیت ادبیات معاصر داشته باشند، اما، گذشته از برخی موارد، جریان غالب آثار دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دانشجویی (البته در مورد ادبیات معاصر) کمتر حاوی مباحث تازه و روش‌شناسی آکادمیک است. شاید دانشگاه‌ها با تمرکز بر مرجع‌شناسی ادبیات معاصر - به ویژه در پایان‌نامه‌ها - بتوانند منشأ آثار مهم‌تری باشند.

در پایان، وی به برخی کارهای موجود در این زمینه که باید مورد توجه قرار گیرند اشاره کرد، از جمله کتاب‌شناسی خانبابا مشار، به ویژه ویرایش سال ۱۳۵۲ آن؛ پژوهشگران معاصر ایران اثر هوشنگ اتحاد؛ مجلات ادبی از بهار اعتصام‌الملک تا سخن خانلری، بغما و

بعد از آن؛ فهرست مقالات فارسی به کوشش استاد ایرج افشار (که بیشتر در حوزه ایران‌شناسی است اما تا حدی از مقالات حوزه ادبیات معاصر هم اطلاعاتی می‌دهد)؛ آثار ادوارد براون، رشید یاسمی، دکتر حسن کامشاد، یحیی آرین‌پور و بزرگ علوی، جلد دوم تاریخ ادبیات یان ریپکا، جلد سوم سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار و آثار دکتر پرویز ناتل خانلری.

سخنران بعدی کامیار عابدی بود با بحث مرجع‌شناسی در حوزه شعر معاصر. به گفته وی، کتاب‌های مرجع در حوزه شعر معاصر بسیار اندک است و بیشتر آنها نیز کاملاً قابل اعتماد نیستند. در حوزه کتاب‌شناسی نیز آثار مهمی نداریم. بخش عمده‌ای از مراجع اجمالی یا تفصیلی در حوزه شعر معاصر جنبه دانشنامه‌ای ندارند و اغلب منتخباتی از شعر معاصرند که در لابه‌لای آنها اطلاعاتی از جمله زندگینامه و تحلیل درج شده‌اند، چون توجه اصلی به این مضامین نبوده، قابل استناد نیستند. در این میان، تنها یک فرهنگ داریم: واژه‌نامه هنر شاعری اثر میمنت ذوالقدر (میرصادقی). دسته‌ای آثار هم هستند که شبه مرجع‌اند یا قابلیت مرجع شدن را دارند. این آثار معمولاً در ردیف تاریخ ادبیات قرار می‌گیرند. از آن جمله است از صبا تا نیما اثر یحیی آرین‌پور که یکی از بهترین مراجع در حوزه شعر معاصر است. متأسفانه، با گذشت این همه سال از تألیف این کتاب، هیچ کار تازه‌ای در این حوزه صورت نگرفته است. سپس کامیار عابدی آسیب‌های وارده بر مراجع و منابع حوزه شعر را به شرح زیر برشمرد:

- غالباً تکرار مراجع قبلی هستند.
- سهوها و نقص‌های یک کتاب پیوسته در مراجع بعدی تکرار می‌شود.
- در این آثار، بسیاری از منابع مکتوبی که در شمار اندک منتشر شده و در دسترس نیستند مورد توجه قرار نمی‌گیرند.
- به منابع شفاهی رجوع نمی‌شود - نکته‌ای که خیلی مهم است و خیلی کم به آن توجه شده است. به عنوان مثال، در هیچ منبعی ثبت نشده که نام واقعی نادر نادرپور حسین بوده است. منابع شفاهی می‌تواند رجوع به خود شاعر یا، اگر خود شاعر در قید حیات نیست، مراجعه به خانواده و دوستانش باشد.

– در حوزه شعر معاصر باید منابع صحیح را از سقیم تشخیص داد.
– بیشتر مراجع موجود تنها حاوی اطلاعاتی کلی و توصیفی و گزارشی‌اند و در آنها تحلیل و نقد به چشم نمی‌خورد. چون بیشتر کتاب‌های این حوزه به قلم کسانی بوده که یا خود شاعر بودند یا در پی اثبات نحله‌های خاصی از شعر بودند؛ در نتیجه، نگاه آکادمیک نداشتند. در دانشگاه‌های ما هم، چون روی به سنت داشتند، توجهی به ادبیات معاصر نشده است.
– مؤسسات پژوهشی دولتی یا شبه دولتی به این حوزه توجه نکرده‌اند و این امر ناشی از درآمیختن ادبیات معاصر با مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است.
– دانشنامه‌نگارانی چون مصاحب و دهخدا به ادبیات معاصر توجه نکرده‌اند که موجب شد پژوهشگران بعدی نیز این حوزه را جدی نگیرند.
– در دانشنامه‌های دو دهه اخیر هم که بارقه‌هایی از توجه به شعر معاصر دیده می‌شود، مداخل بیشتر گزارشی و توصیفی هستند، چون غالب مؤلفان این دانشنامه‌ها خود تحلیل خاصی در مورد شعر معاصر نداشتند.
– در بعضی از مراجع، به دلیل ناقص و ضعیف بودن منابع موجود در این زمینه، اطلاعات نادرست راه یافته است.

فرخ امیرفریار، آخرین سخنران این نشست، برخی منابع موجود و مهم در زمینه ادبیات معاصر را برشمرد که در پژوهش‌های این حوزه باید مورد توجه قرار گیرند. از آن جمله‌اند: فرهنگ ادبیات جهان اثر زهرا ناتل خانلری؛ فهرست مشار؛ نرم‌افزار کتاب‌شناسی ملی ایران، که به‌زودی به صورت لوح فشرده و نیز در اینترنت قابل دسترسی خواهد بود؛ کارنامه نشر که وزارت ارشاد از سال ۱۳۷۵ شروع به انتشار آن کرد و به صورت موضوعی تنظیم شده و چکیده هم دارد؛ مجله نمایه (فهرست مقالات منتشرشده)، که با متن کامل مقالات در اینترنت دست‌یافتنی است، نرم‌افزار نما که کتابخانه ملی تهیه کرده است؛ فهرست مقالات فارسی ایرج افشار؛ مجموعه چندجلدی پژوهشگران معاصر ایران اثر هوشنگ اتحاد؛ سایت مرکز آمار و اطلاعات ایران که حاوی اطلاعاتی در مورد پایان‌نامه‌ها نیز هست؛ دو فرهنگ میمنت ذوالقدر (میرصادقی) به نام‌های واژه‌نامه هنر شاعری و واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی؛ کتاب‌شناسی توصیفی از داستان و

شعر و نقد ادبی و نمایشنامه اثر کریستف بالایی؛ از غربتی به غربتی دیگر (کتاب‌شناسی آثار ایرانیان مقیم خارج از کشور به تفکیک هر کشور از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷) اثر شاهرخ تندرو صالح؛ سایت‌های ادبی فارسی مثل سایت فارسی بی‌بی‌سی؛ سایت‌های نویسندگان، مانند سایت رضا قاسمی و مهستی شاهرخی؛ صد سال داستان‌نویسی ایران اثر حسن میرعابدینی؛ پژوهش‌های کامیار عابدی در مورد شاعران؛ فرهنگ آثار ایرانی-اسلامی، که هنوز در زمینه ادبیات معاصر نقص دارد؛ تاریخ تحلیلی شعر نو اثر شمس لنگرودی، که به‌خصوص از حیث منابعی که در آن گردآورده شده اهمیت دارد؛ و سرانجام مطالب ادبی روزنامه‌ها.

در پایان، استاد احمد سمیعی ارزش این نشست را در طرح مسئله و تأکید بر فکر و طرح تازه خواند و به چند نکته در تعریف ادبیات و معاصر اشاره کرد. وی گفت: وقتی فکری به صورت تصویری ارائه شد و تحسین هنری برانگیخت، ادبیات می‌شود و متعلق به جامعه ادبی خواهد بود.

وی به قول بلومفیلد، زبان‌شناس معروف معاصر، اشاره کرد که هر گفته و نوشته‌ای را که جلب توجه کند و درخور به خاطر سپردن باشد ادبی می‌شمارد. در مورد آثار معاصران هم بعضی معتقدند ارزش ادبی آنها پس از گذشت یک تا دو دهه مشخص می‌شود. از این رو، به بسیاری از معاصران در دانشنامه‌ها توجه نشده است؛ در حالی که این تصور نادرست است و بودند بسیاری کسان که در زمان خود وارد تاریخ ادبیات شدند از جمله، در نزد ما، رودکی، فردوسی، خیام، سنائی، نظامی، عطار، مولانا، حافظ، جامی، صائب، بهار. ملاک تاریخی بر اساس زنده بودن یا مرگ نویسندگان نیز ملاک درستی برای تاریخ ادبیات‌نویسی یا دانشنامه‌نویسی نیست، چون ممکن است شاعر یا نویسنده‌ای که در جلدی از این آثار نامش نیامده در سال‌های نشر جلد بعدی به زمره درگذشتگان درآید.

مسئله دیگری که سمیعی به آن اشاره کرد، بی‌توجهی به شاعران محلی در بحث تاریخ ادبیات معاصر است در حالی که شناخت ما حتی از شاعران کم‌اهمیت‌تر مثلاً دوره صفویه بیشتر است و این نشان می‌دهد که تا چه حد نسبت به شاعران دوره معاصر بی‌توجهی کرده‌ایم. ما می‌توانستیم مدارک زیادی از شاعران دوره معاصر داشته باشیم که نداریم، مانند صدای شاعر، تصویر شاعر، نامه‌ها و یادداشت‌های شاعر، و از این قبیل.

حتی مجله‌ای ادبی که در شأن ادبیات ما باشد نداریم و، اگر هم باشد، بیشتر رویکردش به ادبیات کلاسیک است.

مسئله دیگری که به نظر سمیعی، در ادبیات معاصر مورد توجه قرار نمی‌گیرد آثار ترجمه شده به زبان فارسی به قلم مترجمان زبردستی است که هیچ‌گاه این آثار مثلاً در گزیده‌های ادب فارسی منعکس نمی‌شوند.

استاد سمیعی پشتوانه ادبیات را تحقیق ادبی و نقد ادبی ذکر کرد و گفت: تصحیحات انتقادی خوبی صورت می‌گیرد اما در زمینه نقد ادبی آن هم در مفهوم امروزی آن ضعف شدیدی به چشم می‌خورد. از طرفی، ادبیات کودکان جایی در تاریخ ادبیات ما ندارد. استاد سمیعی، با اشاره به طرح آینده گروه ادبیات معاصر با عنوان «شیوه‌نامه تاریخ ادبیات نویسی»، گفت: در حال حاضر، تاریخ ادبیات با فلسفه گره خورده است و مرز روشنی با هم ندارند و لازمه نگارش تاریخ ادبیات داشتن اندیشه‌ای فلسفی است که با جوهر اشیاء و امور و جریانات سروکار دارد.

آرزو رسولی

گزارش نمایشگاه کتاب ارومیه

یکصد و نهمین نمایشگاه استانی و پنجمین نمایشگاه بزرگ کتاب ارومیه با حضور ۴۵۰ ناشر ایرانی، در دو سالن بزرگ در محل پارک جنگلی ارومیه، از ۱۱ تا ۱۷ شهریور ۱۳۸۶ برگزار شد.

برپایی نمایشگاه کتاب در پارک جنگلی ارومیه معروف به بام شهر، مرتفع‌ترین و خوش آب و هواترین منطقه شهر، جذابیت خاصی به فضای فرهنگی بخشیده بود. اجرای ویژه برنامه‌های فرهنگی و هنری شهرستان‌های استان طی هفت شب شامل سخنرانی، تجلیل از نویسندگان و اصحاب منتخب فرهنگ و هنر شهرستان‌ها، ارائه گزارش وضعیت فرهنگی و هنری، اجرای موسیقی و ترانه‌های شهرستان‌های میاندوآب، سلماس، ماکو، خوی، مهاباد، بوکان و سردشت همدلی و همکاری منسجمی را بین بازدیدکنندگان ایجاد کرده بود.

حضور ۱۳۵ ناشر برجسته از جمله امیرکبیر، اقبال، نشر نی، سروش، تیمورزاده، خانه کتاب ایران در دو سالن همچنین غرفه انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جایگاهی مناسب در فضایی نه متری با در ورودی شمالی - جنوبی بازدیدکنندگان و علاقه‌مندان بسیاری را جذب می‌کرد.

بازدیدکنندگان، ضمن استقبال از انتشارات فرهنگستان به‌ویژه دستور خط فارسی، فرهنگ املائی خط فارسی، قرآن کریم (برگردانی کهن، به کوشش دکتر علی رواقی)، فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی، دانشنامه زبان فارسی، دفترک آشنایی با فرهنگستان، خواستار انتشار کتاب‌هایی در زمینه آموزش مکاتبات اداری و ویراستاری بودند. دانشجویان و استادان از نامه فرهنگستان و ضمایم و ویژه‌نامه‌ها به‌خصوص دستور ۱ و ۲ استقبال کردند و خواستار آن بودند که فرهنگستان زبان و ادب فارسی کلاس‌های ویراستاری در ارومیه و شهرستان‌های اطراف تشکیل دهد.

کتاب‌ها با ۴۰ درصد تخفیف - ۲۰ درصد کمک اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۲۰ درصد تخفیف ناشر - فروخته می‌شد. در این نمایشگاه، بنا به گزارش مسئولان، بانک ملی ۲ میلیارد ریال وام در اختیار خریداران کتاب گذاشت.

در این فرصت، با ناشران شهرستان‌های شرکت‌کننده در نمایشگاه از جمله همدان، کاشان، قم و ارومیه و شماری از ناشران تهرانی برای قبول نمایندگی فروش نامه فرهنگستان توافق‌هایی صورت گرفت.

هم‌زمان با برپائی پنجمین نمایشگاه کتاب ارومیه، از جمله برنامه‌های جنبی این نمایشگاه گرامیداشت مقام شامخ محمد حسین شهریار، شاعر آذری‌زبان، بود که با حضور خانواده او برگزار شد.

تجلیل از اهل قلم، راه‌اندازی ستاد خبری، برپائی غرفه مخصوص کودکان و دیگر فعالیت‌های فرهنگی - هنری از دیگر برنامه‌های جنبی بود که طی برگزاری این نمایشگاه اجرا شد.

زهرا دامیار

